

بقیه از شماره پیش

در انجمن ایران - لندن

متن کفرانس آقای لورانس بنیان

## هنرهای زیبای ایران

### نقاشی ظریف \* مینیاتور \*

بهزاد - در نیمه دوم قرن ۱۵ میلادی این نقاشی زبردست ایرانی درهرات آثار جاویدانی برای خود باقی گذارده گرچه این شخص اسلوب کاملاً جدیدی پیش نیاورده معیناً به اسلوب متداول ایرانی یک روش و راه مخصوصی داده که در دنیا سابقه نداشته و بخوبی مشخص روح ایرانی میباشد.

گرچه تا حدی از تفاوت بین نقاشی چینی و نقاشی ایرانی چند کلمه گفته شد ولی چون نام بلند مرتبه بهزاد پیش آمد باید این موضوع قدری توضیح داده شود در نقاشی چینی وسعت و فضا نامحدود بوده چنانچه اگر بیننده یک نقاشی چینی نگاه کند بعمق آن پی برده و مقصد و منظور او کاملاً معین نمیکرد. حال در صورتیکه در مورد نقاشی ایرانی قضیه برخلاف این میباشد. چه نقاش ایرانی مثل این میماند که منظره را در یک صحنهٔ ثنائی تماشا کرده باشد که اطراف آنرا پرده هائی آویزان کرده اند هر چیزی را که میخواهد به بیننده نشان دهد واضح و روشن کشیده و مقصود خود را فوراً نشان میدهد بعبارت اخیری نقاشی ایرانی محدود بوده و برای فهم آن غور و فکری لازم نیست.

تشبیه نقاشی ایرانی با صحنهٔ ثنائی کاملاً بجاست برای اینکه اعمال و افکار نوع انسان است که نقاش ایرانی را جلب نموده و دوست دارد که آنها را مجسم نماید. لذا فضاهای وسیعی که در آن موجودی یافت نشود یا عزت گاههائی که در آنجا حرکت و جنبش انسانی دیده نشود

ممکن است نقاش چینی را جالب کرده علاقمند بکشیدن نمایی ولی برای نقاش ایرانی اینها مطالب جالب توجهی نیستند.

برای نقاشان ایرانی مانند نقاشان اروپائی اسان در این صحنه تاثیر اندکی دل



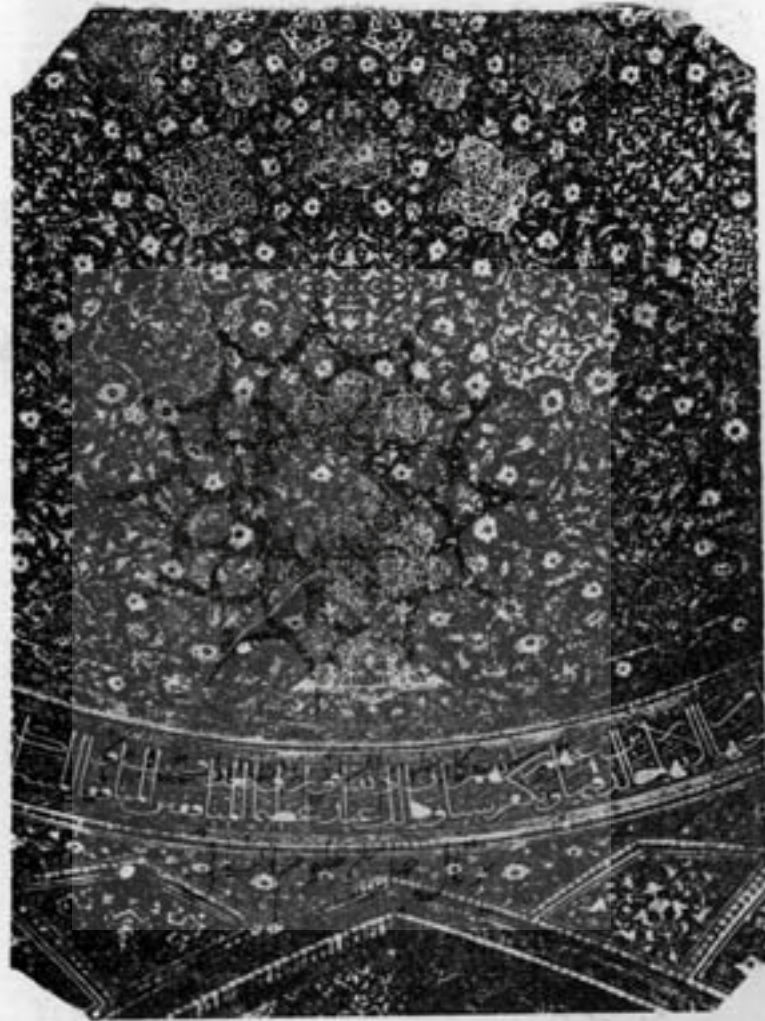
طاق مدرسه چهار باغ - اصفهان

عمده را بازی کرده و انسان است که باید اعتدال و رفتار او برصفحانی نقش گردد بنا بر این مطالعه نقاشی ایران بر از مطالعه زندگی انسان و جز درام حقیقی حیات چیز دیگری نمی باشد. بین مطلعین اختلاف است که از آثاری که بنام بهزاد معروف است کدام اثر واقعی



او و کدام اثر دیگران میباشد، تنها این نکته مسلم است که آثار بهزاد، مخصوصاً قطعات شاهکار او اینقدر در نظر بیننده باحقیقت و زنده جلوه میکنند که انسان دچار بهت و حیرت شده و از تعجب آنها عاجز گردیده نمی تواند آن آثار را بکسی غیر از بهزاد نسبت دهد.

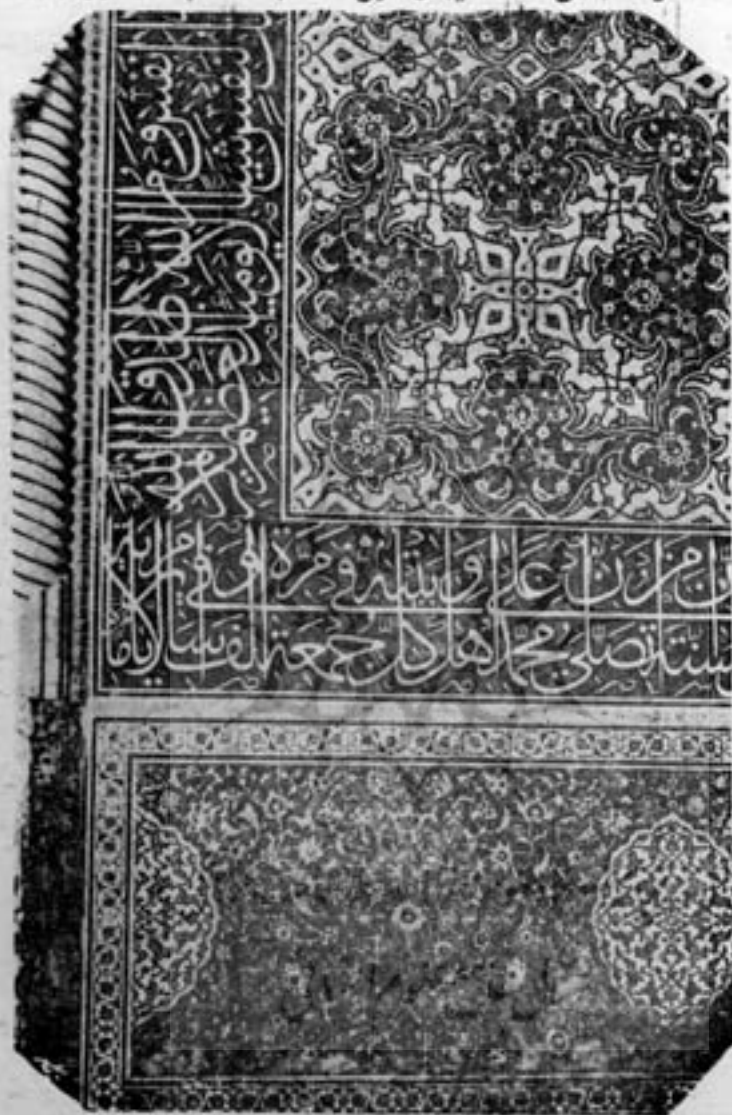
از آثار برجسته دنیا که سرتاسر دنیا معروفند از جمله نقاشیها يك نسخه خطی



داخل یکی از کتب های مسجد شاه -- اصفهان

زندگی تیمور است که همه بقلم این هنرمند بزرگ ایرانی بلکه استاد بزرگ نقاشی جهانی کشیده شده یکی از این نقاشیها بنای مسجدی در سمرقند میباشد که بفرمان تیمور باعجله و شتاب زیادی برپا گردید.

از نقاشی های دیگر او نقاشیهای کتاب بوستانیت که در کتابخانه قاهره  
مصر ضبط شده مخصوصاً یکی از نقاشیهای این کتاب دارا پادشاه ایران را نشان میدهد که



کاشی کاری قسمتی از دیوار داخلی مسجد شیخ لطف الله - اصفهان

یکنفر از رعایای خود را شناخته و بتصور اینکه دشمن است میخواهد باتیر و کمان خود او را  
هلاک کند ولی قبل از اقدام باین امر آن رعیت شاه را متنبه ساخته با عبارات شیرینی بندگی  
و اتقیاد خود را بیان میکنند. در این تصویر بهزاد اینقدر مهارت و استادی بخرج داده و اینقدر  
صورتها را جان دار و با روح نشان میدهد که روح انسان از تماشای آن بوجود آمده و زبان  
انسان بتکریم او بی اختیار جدا می آید.



از جمله نقاشانی که آثار آنها شباهت با آثار بهزاد دارد قاسم علی هراتیست. که در بعضی موارد مشکل است اثر این دو استاد را از یکدیگر تشخیص داد. در قرن شانزدهم صنایع ظریفه یا هنرهای زیبای ایران دوره تحول و تکاملی پیمود یعنی استادان نقاشی همان اصول مسلمه قرن قبل را با طرز متبنی جلوه گر نموده و چیز تازه ابداع نموده اند.

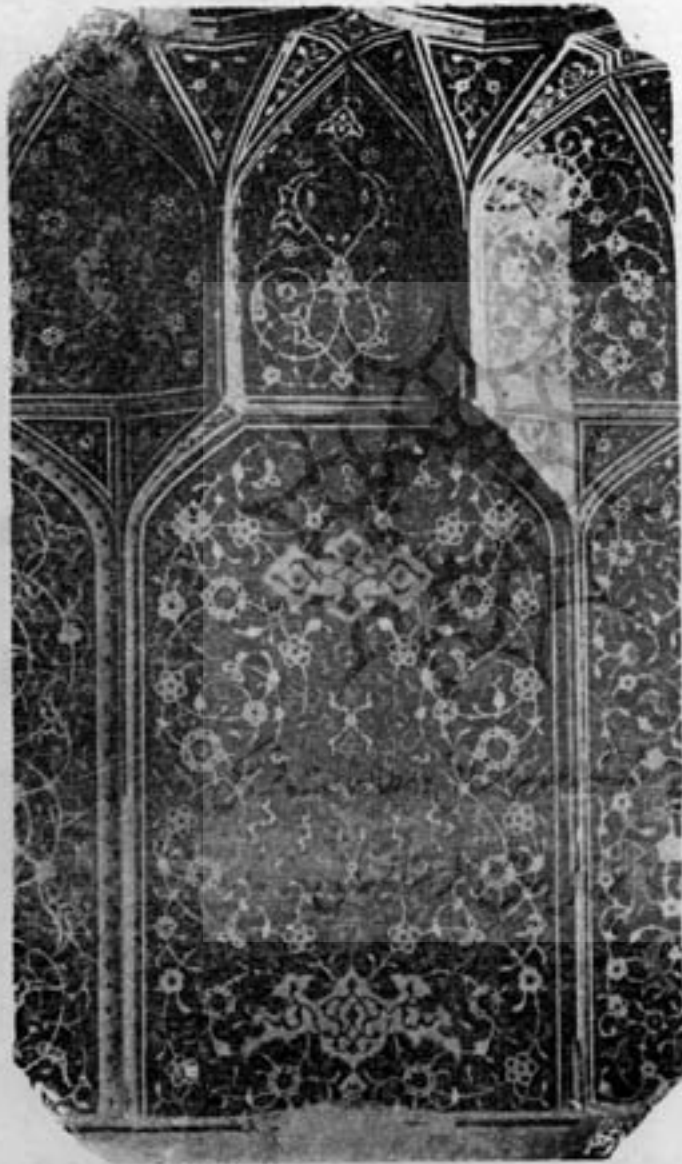


کاشی کاری قسمتی از راهرو مسجد شیخ لطف الله - اصفهان

و چنانکه ذکر گردید نقاشان ایرانی علاقمند بکشیدن مناظر طبیعت مثل چینهها نبوده بیشتر بکشیدن شبه انسانی علاقه داشته اند. در این دوره بهزاد هم عیناً همین رویه را تعقیب نموده و اگر اتفاقاً یکنفر مثل محمدی مناظر طبیعی را موضوع قرار

داده يك مورد استثنائی بیش نبوده و حتی در آثار او هم بیشتر ارتباط بین انسان و طبیعت مشاهده میگردد تا خود طبیعت ولی مباداشنونده تصور کند که در تاریخ نقاشی ایران مناظر طبیعی بهیچوجه دیده نمیشوند چه بکرات نقاشان ایرانی مناظر بدیعی کشیده

دانشگاه تهران - کتابخانه مرکزی



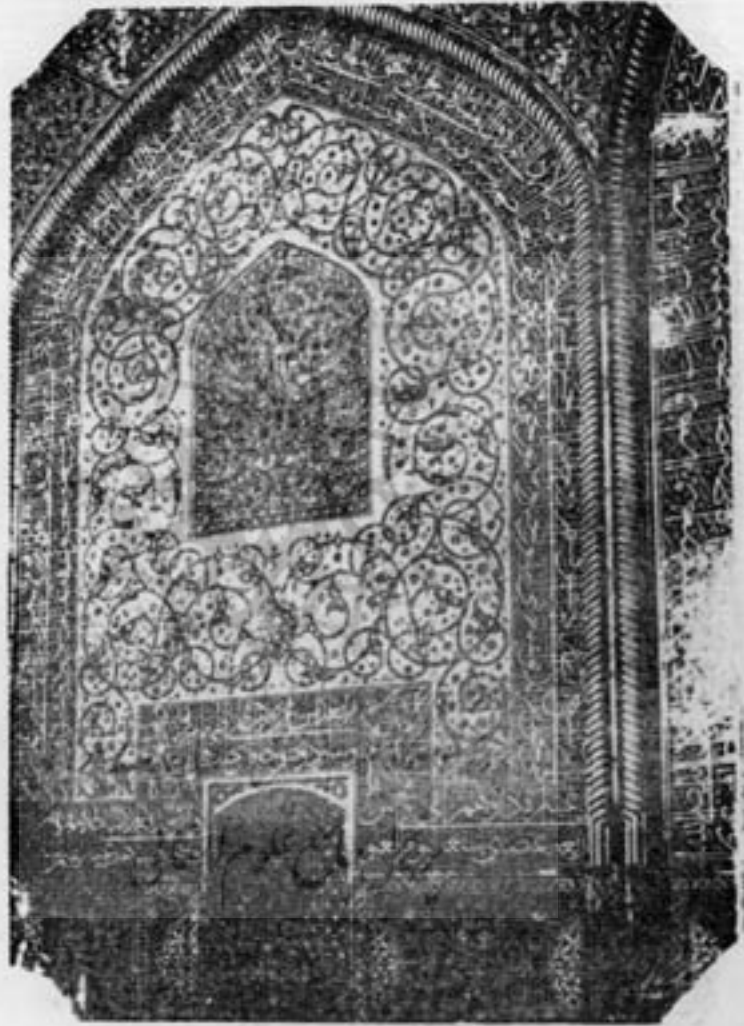
کاشی کاری قسمتی از سردر مسجد شاه - اصفهان

ولی نکته اینجاست که در کشیدن این مناظر خود مبتکر فن نوینی نبوده و با آنها صوری حقیقی نداده اند مثلاً مناظری که کشیده اند اکثر خیالی بوده چه در آنها صخره های عجیب



برنگاههای آتشین شکل دره های هولناک و غیره دیده شده و تنها برنگ آمیزی دقیق و عالی آنها پرداخته اند:

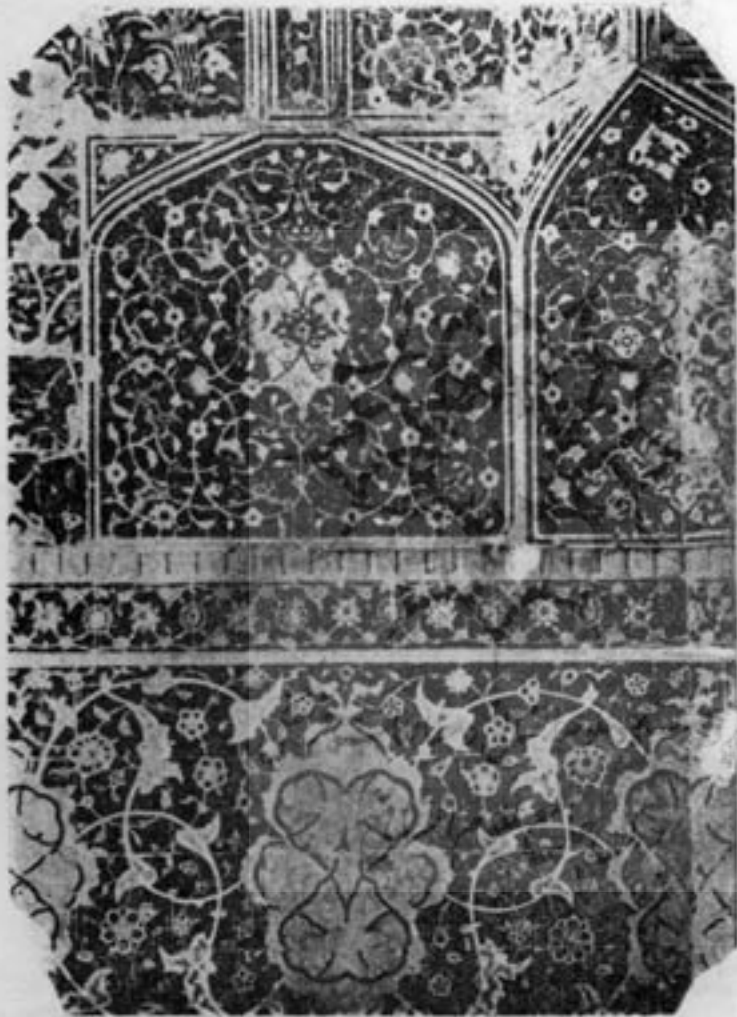
از حیث رنگ آمیزی تا بحال هیچ نقاشی توانسته در مقابل ذوق و سلیقه ایرانی استادگی و مقاومت نماید.



کاشی کاری یکی از دیوارهای مسجد شیخ لطف الله - اصفهان

از بهترین و معروف ترین نقاشی های قرن شانزدهم نقاشی های نسخه خطی اشعار نظامی است که در موزه بریتانیا محفوظ و متعلق بسال ۱۵۳۹ تا ۱۵۴۳ میلادی میباشد نقاشی های این نسخه اثر بهترین استاد است که بعد از بهزاد یا بعرضه وجود گذارد در اند.

اگر میخواستیم هر يك از نقاشی های این کتاب را شرح و توصیف دهیم از یک طرف سخن بطول انجامیده و از طرف دیگر از تعریف و تمجید آنها عاجز میآئیم تنها این نکته را متذکر میگردیم که نقاشان ایرانی پیوسته خواسته اند اشعار، منظوم ادبیات شیرین و معروف خود را بصورت نقش درآورند.

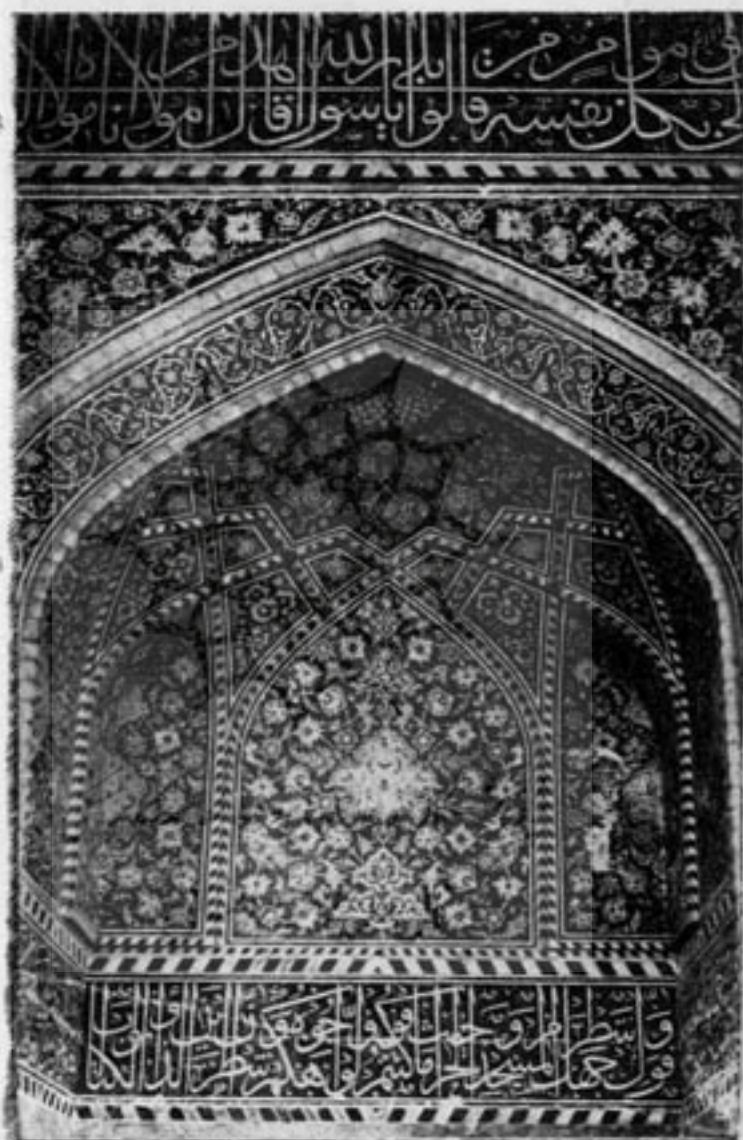


قسمتی از سردر مسجد شاه - اصفهان

مثلاً داستان عشقی معروف لبلی و مجنون که کمتر نویسنده در شرق یا غرب از آن بی خبر است یا خسرو و شیرین و یا بهرام گور در موقع شکار تمام داستان های ادبی است که در همین حال نقاشی شده و حاکی از روح پر از عشق و عاطفه ایرانی میباشد. ایران با ظاهر



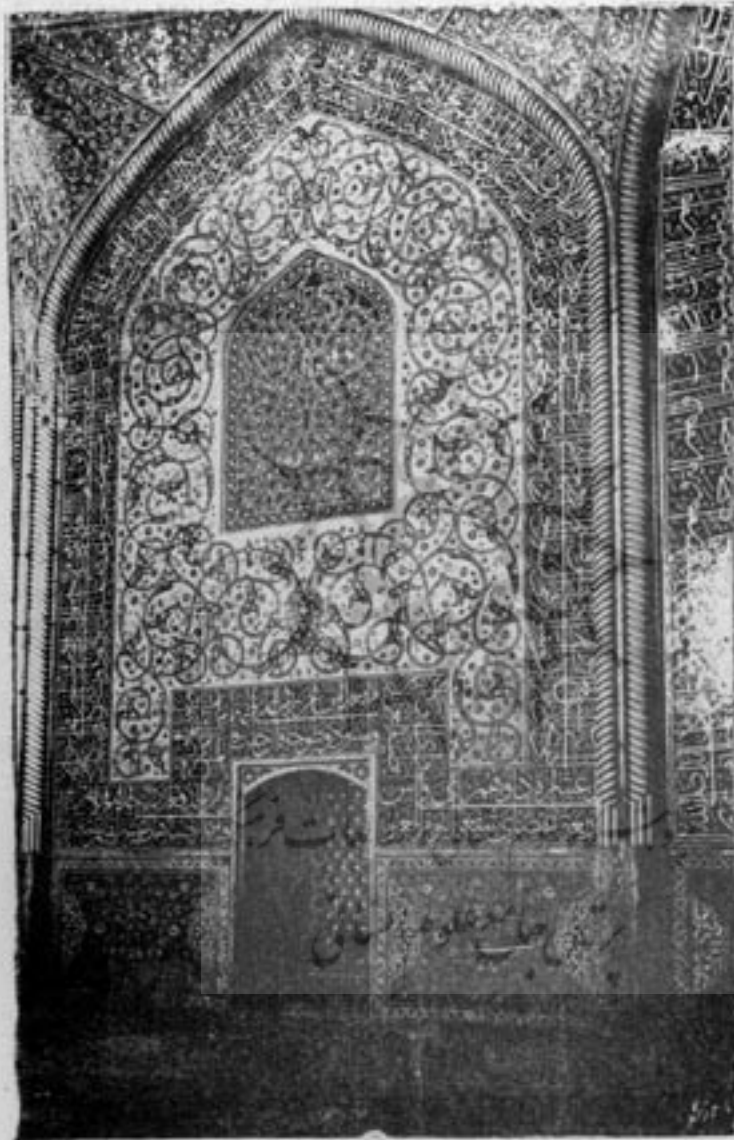
ساختن این آثار دنیا را برای همیشه مرهون قدرت فکر و قلم خود نموده است . آنچه این استادان در قرن ۱۶ و ۱۵ میلادی بیادگار گذارده‌اند در قرون بعد با سم صنعت و هنر کلاسیک در دربار مغول معمول گردیده و اکثر از آنها تقلید شده . مثلاً در همان خیمه



قسمتی از کاشی کاریهای مسجد شاه - اصفهان

نظامی چند صورت بقلم میرسید علی نقاش میباشند که بعدها مؤسس مدرسه قاشی مغولها گردید . همایون نقاش دیگر و قتیبه در تبریز بود جوانان نقاش را دور خود جمع نموده بکابل رفت و مؤسس مدرسه قاشی آنجا گردید .

در نقاشی‌های ایرانی کسب‌کام شبیه‌سازی اواز دیگران بیشتر معروفیت دار در ضای عباسی است که در آخر قرن ۱۶ میلادی میزیسته و از برجسته‌ترین استادان نقاشی ایران است و آخرین نقاش مهم مدرسه کلاسیک می‌باشد.



قسمتی از کاشی کاریهای مسجد شیخ لطف‌الله - اصفهان

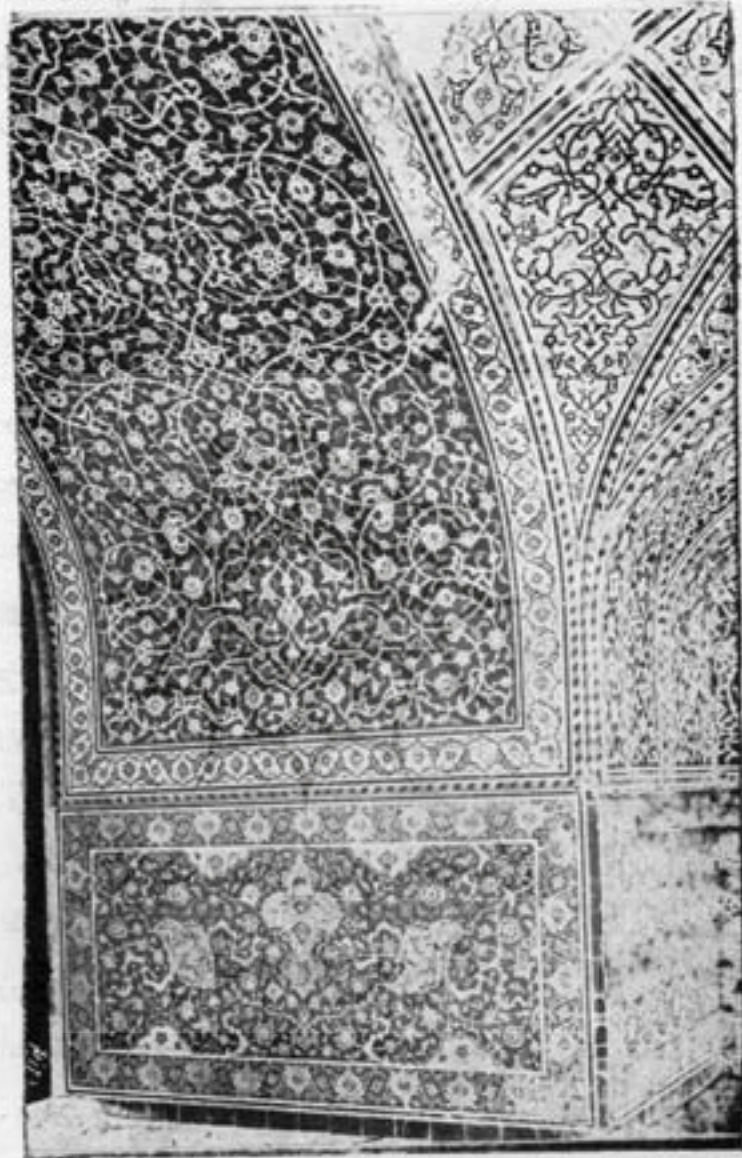
در قرن هفدهم تصاویر کلاسیکی نیز با اسلوب قدیمی نشان داده می‌شدند گرچه رنگ‌های این نقاشی‌ها بطور معمول جذاب و برجسته می‌باشد ولی موضوع آنها بیشتر محدود شده و تدریجاً از اهمیت قرون سابقه می‌افتند.



مهم‌ترین صفت برجسته و ممتاز نقاشی ایران رنگ آمیزی آن می‌باشد استادان هنرمند



ایرانی رنگهای عمیق را بطوری بهم می آمیزند که هیچ ممکن نیست يك نقاش اروپائی بتواند تقلید کند مثلاً در يك نقاشی آسمان آبی رنگ صخره ها گلهها و غیره را بطور جذابی نشان داده و در وسط این زیبایی انسان را بطوری تصویر میکنند که از حث ظرافت و قشنگی لباس بیشتر جلب



قسمتی از کاشی کاریهای مسجد شیخ لطف الله - اصفهان

توجه مینماید و در آن صحنه کاملاً محسوس است که عاشق یکدیگر ندیا از یکدیگر متنفرند .  
خلاصه آنچه ایران از راه هنر های زیبا و مخصوصاً صنعت زیبای قاشی بدنیا آموخته  
یش از آن است که بتوان تعریف و تمجید نمود و تأثیر آن در روح مایون ها افراد و هزاران  
قاش ظاهر و ارزش آنها نه بعدی است که بتوان ذکر کرد .  
پایان